

« سیسرو » یک وکیل مدافع بزرگ

شرح یک دادرسی جنائی هیجان‌انگیز در دوران قدیم رم

نام مارکوس تولیوس سیسرو^۱ در تاریخ اکثراً بعنوان سیاستمداری برجسته و خطیب و سخنوری با قدرت ذکر شده است اما مورخین این حقیقت را نادیده نگاشته‌اند که سیسرو در عین حال یکی از وکلای مدافع بزرگ زمان خویش نیز بوده است. او سالیان متعددی در دادگاه‌های جنائی رم بدفاع از متهمین پرداخته و در این راه تجربیات فراوانی کسب کرده بود. با اینوصف محققاً یکی از موکلین او بنام اولوس-کلونتیوس هاییتوس^۲ که در سال ۶۶ قبل از میلاد در رم مورد دادرسی قرار گرفت بیش از دیگران دارای اتهامی غیرعادی و با اهمیت بود.

سیسرو که در آن زمان ۷۰ سال داشت مقام (پرائتور) یعنی عالیترین مقام قضائی پس از سمت کنسول را احراز کرده و باین عنوان تصدی یکی از دادگاه‌های کیفر کارمندان دولت رم را عهده‌دار گردیده بود ولی برطبق قوانین وقت رم او نمیتوانست در سایر دادگاهها بعنوان وکیل مدافع انجام وظیفه نماید.

موضوع اتهام اولوس کلونتیوس هاییتوس یکی از عجیب‌ترین حوادث تاریخ جنائی رم محسوب میگردد. نامبرده برطبق دو ماده از مواد قانون مجازات عمومی که در سال ۸۱ قبل از میلاد بوسیله (سولا) دیکتاتور معروف رم وضع گردیده بود مورد تعقیب قرار گرفته بود. بموجب اتهام نخستین کلونتیوس متهم بقتل ناپدری خود بنام اوپیانیکوس^۳ شده بود باین توضیح که برای انجام منظور خویش مأموری

۱ - Marcus Tullius Cicero

۲ - Aulus Cluentius Habitus

۳ - Oppianicus

را اجیر کرده و توسط نامبرده موفق شده بود قطعه نانی را که در داخل آن مقداری سم نهفته شده بود به ناپدیری خود داده و ویرا مسموم نماید. در جریان دادرسی اعلام شد که کلونتئوس متهم بدو فقره قتل دیگر بوسیله مسموم ساختن قربانیان خویش بوده است اما این امر بدرستی معلوم نگردید که موضوع فوق قسمتی از اتهامات مندرج در کیفرخواست بود یا آنکه صرفاً از اینجهت بمیان آمده بود تا نشان داده شود که وی در کار مسموم ساختن اشخاص مهارت و تجربه کامل کسب کرده است. اتهام ثانوی متهم مزبور که قبل از اتهام قتل اوپیانیکوس قراردادش عبارت از این بود که کلونتئوس برخلاف واقع ناپدیری خود را متهم کرده بود باینکه درصدد مسموم نمودن خویش برآمده است و با تطمیع ساختن هیئت منصفه ای که اقدام بصدور حکم محکومیت نامبرده نموده بود موفق شده بود موجبات تبعید ناپدیری خویش را فراهم نموده و زندگی او را دچار تباهی سازد.

برای آنکه اوضاع و احوال این دادرسی روشن تر گردد باید مختصراً توضیح داد که در آن زمان کشور رم یک قانون مجازات عمومی منظم و متحدالشکل نداشت و مجازات جرائم در قوانین متعددی تعیین گردیده بود که هر یک از آن قوانین برای مجازات یکی از جرائمی که امنیت اجتماعی را بمخاطره میافکند وضع شده بود که از جمله این جرائم غیر از قتل نفس میتوان موارد دیگری را از قبیل خیانت - مواضعه برای اعمال نفوذ در انتخابات - اقدام بتقلب در انتخابات - سوء استفاده از وجوه دولتی - طغیان و اغتشاش - تهدید بقتل - جعل و کلاهبرداری - اختلاس و اتخاذ عنوان ساختگی تابعیت رم را ذکر کرد.

باین ترتیب قانونی که بموجب آن قرار بود دادرسی (کلونتئوس) انجام گردد (قانون جنایتکاران و مسموم کنندگان) نام داشت و آنچه از آثار (سیسرو) و سایر حقوقدانان برجسته رم بدست آمده فصول مختلفه این قانون مربوط بوده است به قتل نفس بوسیله اسلحه یا حمل اسلحه بقصد اقدام بقتل یا سرقت و همچنین تهیه و خرید و فروش و داشتن یا بکاربردن سم بقصد قتل نفس. در عین حال بموجب مقررات

قانون دیگری که در آن زمان حکومت داشت و در جریان دادرسی (کلونتئوس) باین قانون نیز استناد شده بود اقدام بگواهی خلاف بقصد محکوم ساختن یک متهم در دادگاه جنائی که با حضور هیئت منصفه تشکیل میگردد نیز از جمله جرائم قابل مجازات بشمار میآید.

اگرچه این قسمت اخیر از جرائم علیه اجتماع تابع حدود و قیود مشخصی بود که در جریان دفاع (سیسرو) از (کلونتئوس) تأثیر فراوانی پیدا کرد اما توجه باین موضوع برای وکلای دادگستری کنونی حائز کمال اهمیت میباشد که در حکومت جمهوری رم تباہ ساختن زندگی یا سمت و مقام فردی از افراد اجتماع از طریق اغفال نمودن محاکم در حکم یک قتل قضائی محسوب میگردد که سبب است با همان شرائط و ترتیباتی که برای دادرسی در مورد قتل نفس مقرر شده بود مورد دادرسی قرار گیرد.

یکی دیگر از وجوه تمایز سیستم قانون جزای جمهوری رم در این بود که مردم رم بجای تشکیل محاکم عمومی برای رسیدگی در مورد همه گونه اتهامات کیفری ترجیح داده بودند طبقه معینی از جرائم را بمحاکم مخصوصی واگذار نمایند که این محاکم معمولاً بر اساس همان قوانینی که جرائم مزبور را تعریف مینمود تشکیل میگردد.

دادرسی کلونتئوس قرار بود در دادگاه جنائی رم که موارد مربوط بقانون جنایتکاران و مسموم کنندگان را رسیدگی مینمود انجام گردد. نکته جالب اینکه بر طبق سیستم قضائی رم تعقیب متهمین بقتل و جنایت توسط افراد عادی صورت میگرفت بعبارت دیگر بجای آنکه تعقیب متهم بوسیله یک دستگاه دولتی یا قضائی مانند دادسرا انجام گردد توسط یکی از افراد جامعه که باین منظور وکیل انتخاب مینمود عملی میگردد و حتی هیچگونه قید و شرطی هم در این زمینه وجود نداشت که شاکی در شکایت مطروحه ذینفع باشد بلکه هر یک از افراد دولت رم قطع نظر از عوامل شخصی اش قانوناً حق تعقیب متهم را داشت.

در ماجرای کلونتیوس، تعقیب قضیه توسط نابرداری او یعنی فرزند اوپیانیکوس صورت گرفته بود. اما اگر ما بخواهیم به توجیه سیسرو از این قضیه توجه کنیم باید قبول نمائیم که ظاهراً این شکایت بتحریک (ساسیا) مادر شاکی که دلائل خاصی برای ازبین بردن کلونتیوس داشت طرح گردیده بود.

اوپیانیکوس جوان برای تعقیب متهم یکی از وکلای دادگستری شهر (پیزاریوم) را که (تیتوس آکیوس) نام داشت بعنوان بازپرس تعیین نموده بود. سیسرو در جریان دفاع اگرچه همکار خود را مورد حملات شدیدی قرارداد معذکع بعدها در آثار خود از نامبرده بعنوان ناطقی زبردست که بایان خود همگان را تحت تأثیر قرار میدهد یاد نمود.

دادرسی کلونتیوس مانند همه دادرسیهای مربوط بقتل و جنایت قرار بود در حضور هیئت منصفه انجام گردد. تعداد اعضاء هیئت منصفه بتناسب کار هر دادگاه تفاوت پیدا میکرد. تعدادی که برحسب قانون برای رسیدگی بجنایات معین شده بود سی و دو نفر بود. اعضاء هیئت منصفه از میان اشخاص معروف و با تجربه انتخاب میگردد و بعبارت دیگر همه افراد اجتماع شایستگی انتخاب شدن در هیئت منصفه را نداشتند زیرا شرکت در هیئت منصفه مستلزم شرائط و خصوصیات متعددی بود که بعداً در جریان دفاع کلونتیوس تأثیر فراوان پیدا کرد.

مهمترین نکته این دادرسی عبارت از مجازاتی بود که در صورت محکومیت کلونتیوس میبایست در مورد وی تعیین گردد. بموجب قوانین وقت رم قتل عمد بعنوان جنایب عمدهای علیه اجتماع محسوب میگردد. با اینوصف در آثار سیسرو بهیچ موردی برخورد نمیکنیم که حکایت از اعدام کسی که هیئت منصفه ویرا محکوم کرده باشد بنماید. علت این امر آن است که جمهوری رم برای افراد آنکشور بقدری ارزش و حیثیت قائل شده بود که وقتی کسی محکوم باعدام میگردد مقامات قضائی رم باو پیشنهاد میکردند یکی از دو راه اعدام یا ترك تابعیت رم را انتخاب

نماید و بعبارت دیگر طرد از اجتماع آنچنان موجب خفت و سلب حیثیت فرد محکوم بشمار میآید که این مجازات معادل کیفر اعدام تلقی میگردید.

پس از این مقدمات لازم است شمه‌ای درباره اتهام کلونتئوس ذکر شود.

بنابر آنچه سیسرو در جریان دفاع تشریح نمود معنی علیه یعنی اوپیانیکوس سوابق قتل و جنایت فراوانی داشت بنحویکه گفته میشد ناسبرده حداقل دوازده نفر را بقتل رسانیده بود. او غالباً با مسموم ساختن قربانیان خود اقدام بقتل آنها نموده بود ولی در چند مورد هم برای اجرای نقشه قتل مأسورینی اجیر کرده بود. از جمله قربانیان وی میتوان نام برادرزن، همسر اول، زوجه باردار برادرش و همچنین برادرش را ذکر کرد همچنین شایع بود که اوپیانیکوس اقدام بقتل مادر زن خویش و نیز شخص جوانی را نموده و با جعل وصیتنامه‌هایی از ناحیه ناسبرده‌گان دارائی و ماترك ایشان را تصاحب کرده بود. عجیب‌ترین موضوعی که درباره جنایات اوپیانیکوس شیوع داشت این بود که وی بنابر تقاضای (ساسیا) یعنی مادر کلونتئوس اقدام بقتل دو نفر از سه فرزندان خویش نموده بود تا باین ترتیب رضایت شمارالیه‌ها را برای ازدواج با خود جلب نماید.

اما در مورد (ساسیا) همانطویکه سیسرو در ضمن دادرسی با مهارت فراوان تصویری از چهره واقعی‌اش ارائه نمود باید گفت که ناسبرده زنی بتمام معنی شیطان صفت بود و از جمله کارهای شیطانی‌اش اینکه عاشق دامادش شده و پس از اینکه دخترش را وادار کرد که از شوهرش جدا شود با دامادش ازدواج نمود. همچنین در مورد درخواست وی از اوپیانیکوس برایشکه دو نفر از فرزندان‌ش را بقتل رساند تا بعقد نکاح وی درآید گفته میشد که علت این تقاضای وی آن بود که پس از مرگ اوپیانیکوس بتواند دارائی‌وی را بثنهائی تصاحب نماید. تصویر این ازدواج خونین وقتی کامل میگردد که اضافه نمائیم این زن در موقع ازدواج با اوپیانیکوس بیوه بوده و توانسته بود با ناسبرده ازدواج نماید فقط باین علت که چندی قبل شوهر قبلی‌اش را بقتل رسانیده بود.

سیسرو در هنگام دفاع بارها باین مطلب تکیه کرد که چون کلونتئوس بهیچوجه با رفتار و اقدامات مادرش موافقت نداشت از این رو مادرش و همچنین ناپدری اش نسبت باو خصومت شدیدی میورزیدند و علاوه کرد که شاید بزرگترین اشتباه کلونتئوس این بود که وصیتنامه ای از خود باقی نگذاشته بود زیرا این امر باعث گردید که او پیاپیکوس درصدد برآید نام او را نیز در فهرست قربانیان خود اضافه نماید.

در حال کلونتئوس مدعی شده بود که او پیاپیکوس درصدد مسموم ساختن وی برآمده است باین ترتیب که یکی از عمال او پیاپیکوس مأموری را بنام (اسکاماندر) اجیر کرده بود برده پزشک معالج کلونتئوس را تطمیع کند که کلونتئوس را مسموم نماید. اما برده مزبور که شخص شرافتمندی بود جریان را به کلونتئوس اطلاع داده و موجب افشاء این توطئه شده بود. برحسب شکایت کلونتئوس برده نامبرده باسم مورد نظر و مبلغی که برای تطمیع او پرداخت شده بود نزد وی حاضر گردید و بالنتیجه کلونتئوس قضیه را مورد تعقیب قرارداد و سرانجام در سال ۷۴ قبل از میلاد دادرسی ناپدری کلونتئوس انجام گرفت و اعضاء هیئت منصفه با کثرت آراء حکم محکومیت او را صادر نمودند.

او پیاپیکوس پس از محکومیت داوطلبانه مجازات تبعید از رم را برگزید و بر خلاف خیلی از محکومین موفق گردید اقامتگاهی در مجاورت دیوارهای شهر رم اختیار نماید. اندکی پس از محکومیت وی شایع گردید که اعضاء هیئت منصفه مورد تطمیع واقع شده اند و باین ترتیب قسمت اعظم بدگمانی مردم متوجه کلونتئوس شاکی شد. بتدریج دامنه این قضیه چنان بالا گرفت که موضوع جنبه سیاسی پیدا کرد و بعضی از اعضاء هیئت منصفه بدست مخالفین خویش و با اتهامات گوناگون مورد تعقیب قرار گرفته و برخی دیگر از تصدی بمقامات و خدمات اجتماعی محروم گردیدند. چندسال بعد احتمالاً در حدود سال ۷۰ قبل از میلاد او پیاپیکوس در تبعیدگاه جان سپرد و اینک کلونتئوس بر طبق قوانین جنائی وقت رم بدو فقره اتهام متهم شده بود نخست با اتهام قتل قضائی او پیاپیکوس با تطمیع هیئت منصفه ای که ویرا محکوم ساخته

بود و دیگر قتل جسمانی وی از طریق اقدام بمسموم نمودن نامبرده.

با این مقدمات سیسرو تصمیم گرفت از کلونتئوس دفاع نماید. علل و جهات این تصمیم سیسرو جالب توجه میباشد. اگرچه اشتغال بوکالت در دوران جمهوری رم بعنوان یکی از حرفه‌های اجتماعی شناخته شده بود اما روابط بین وکیل و موکل از آنچه امروز وجود دارد کاملاً تفاوت داشت. باین معنی که از زمانهای قدیم اصل بر این جاری بود که وکلای مدافع باید تبرعا انجام وظیفه نمایند و حتی از سال ۲۰۴ قبل از میلاد بموجب قوانین موضوعه دریافت حق الوکاله ممنوع شده بود. با این وصف تردیدی نیست که وکلای مدافع حرفه‌ای و از جمله سیسرو بطور غیرمستقیم حق الزحمه‌هایی بصورت هدیه یا ارثیه از شخص موکل و یا بستگان او دریافت مینمودند. سیسرو از این طریق در حدود ۲ باب املاک غیرمنقول و مبلغی در حدود ۱۰۰۰۰۰ دلار بیول امروز حق الوکاله بدست آورده بود. اما برای وکلایی مانند سیسرو که دارای جاه طلبی‌های سیاسی بودند عوامل مهمتری در قبول اینگونه دعاوی از قبیل روابط شخصی‌شان با موکل یا دوستان او یا ملاحظات سیاسی وجود داشت و تردیدی نیست که سیسرو پیروزی این عوامل آماده دفاع از کلونتئوس گردید.

آنچه از سخنان سیسرو استفاده میگردد اتهام عمده علیه کلونتئوس تطمیع هیئت منصفه‌ای بود که رأی بر محکومیت او پانائیکوس صادر نموده بود. هیئت منصفه مزبور مانند کلیه هیئتهای منصفه‌ای که در زمان دیکتاتوری (سولا) تشکیل میگردد منحصراً از اعضاء طبقه سناتور ترکیب یافته بود. اساساً باید توجه داشت که کیفیت تشکیل هیئت منصفه یکی از مسائل مهمی بود که متجاوز از نیم قرن مبارزات اجتماعی رومیان را بخود مشغول کرده بود. در حدود دو قرن قبل از میلاد دولت رم تشکیل هیئت‌های منصفه را از انحصار طبقه سناتور خارج نموده و بموجب قوانینی که در آن زمان وضع گردید افراد طبقه متوسط صلاحیت شرکت در هیئت منصفه را پیدا کردند. در دوران حکومت ارتجاعی (سولا) بار دیگر شرکت در هیئت‌های

منصفه فقط در صلاحیت طبقه سناتورها قرارداد شده . ادعای فساد اعضاء هیئت منصفه ای که رأی بر محکومیت اوپیانیکوس صادر کرده بود موضوع جدیدی بود که بدست مخالفین منحصر بودن خدمت در هیئت منصفه برای طبقه سناتورها افتاد . بالنتیجه همزمان با این جریان در سال ۷۰ قبل از میلاد بموجب قانون جدیدی که وضع گردید شرکت در هیئت های منصفه بطور مساوی بین طبقه سناتورها و افراد طبقه متوسط و توده مردم تقسیم شد .

اما قوانین مربوط بمجازات ارتشاه دربار اعضاء هیئت منصفه وقتی وضع شده بود که هیئتهای منصفه صرفاً از طبقه سناتورها تشکیل میگرددید و لذا چنانچه کلونتیوس در مورد اتهام تطمیع اعضاء هیئت منصفه محکومیت مییافت ناگزیر این مجازات در مورد سایر اعضاء هیئت منصفه که از طبقات غیر از سناتورها بودند و حتی در مورد کلیه کسانی که بعنوان گواه یا بهر عنوان در این دادرسی شرکت نموده بودند تسری پیدا میکرد .

سیسرو با آنکه در نتیجه احراز مقامات عالی اجتماعی بطبقه سناتورها ملحق گردیده بود اما اصل ونسب او نیز مانند (کلونتیوس) ب مردم عامی تعلق داشت و هنوز بانها علاقمند بود و شاید این موضوع را میتوان بعنوان یکی از عواملی که موجب قبولی وی در دفاع از کلونتیوس گردید بشمار آورد .

اما محققان سیسرو علاوه بر احساس علاقه بطبقه اکوئستری^۱ یعنی مردم عادی که خود او نیز از میان آنها برخاسته بود علل وجهات مهمتری برای قبول دفاع از این متهم داشت زیرا این امر از نظر سیاسی و حرفه ای ویرا در وضع بسیار حساسی قرارداد شده بود . برای آنکه موضوع روشنتر گردد باید توجه نمود که کلونتیوس قبل از آنکه ناپذیری خویش را باتهام طرح توطئه برای مسموم ساختن وی تعقیب نماید موفق گردیده بود حکم محکومیت (اسکاماندر) یعنی مأموری را که توسط عمال (اوپیانیکوس) برای انجام نقشه مسموم ساختن او اجیر شده بود اخذ نماید . و کیل مدانعی که

دفاع ناموفق (اسکاماندر) را بعهدہ گرفته بود شخص دیگری غیر از سیسرو نبود . بنابراین حالا اگر سیسرو موافق نظر کلونتئوس در صدد اثبات این امر برمیآید که ادعای توطئه مسموم ساختن کلونتئوس حقیقت داشت این ایراد باو وارد میگردد . که دفاع کنونی وی با مدافعاتی که قبلاً بعنوان وکیل (اسکاماندر) بعمل آورده است هیچگونه مطابقت ندارد .

گذشته از این سیسرو اطمینان داشت که با قبول دفاع ناگزیر اتهامات و ایرادات دیگری هم باو وارد میگردد . باین معنی که وی چه در خطابه نخستین خود علیه ورس^۱ سناتور فرماندار در سال ۷۰ قبل از میلاد و چه در خطابه دیگر خود بهنگام دفاع از کاسینا^۲ در سال ۶۹ قبل از میلاد سیستم قدیمی هیئت‌های منصفه سناتوری را شدیداً مورد حمله و انتقاد قرار داده بود . خطابه علیه (ورس) منتشر شده و در زمان دادرسی (کلونتئوس) اکثر مردم از آن آگاهی داشتند . یکی از مطالبی که در این خطا به عنوان شده بود و حالاً جنبه نامطلوبی پیدا میکرد آن بود که سیسرو ضمن اشاره بدادرسی (اوپیانیکوس) از یک سناتور ذکری بمیان آورده بود که در عین آنکه بعنوان عضو هیئت منصفه انجام وظیفه میکرد در یک موضوع واحد چه از متهم پولهایی گرفته بود تا با سایر اعضاء هیئت منصفه تقسیم نماید و چه از شاکی وجوهی دریافت نموده بود که نظر خویش را بر محکومیت متهم اعلام دارد . بنابراین اکنون اسکان داشت وکیل مدافع طرف قضیه از این اعلام سیسرو استفاده نموده و در مقام اثبات این امر برآید که رشوه و ارتشاء در جریان دادرسی قبلی مربوط با اتهام مسموم ساختن کلونتئوس وجود داشته و از طرف هردو اصحاب دعوی انجام شده است .

البته منبع اصلی اطلاع ما درباره دفاع سیسرو از کلونتئوس عبارت از خطابه دفاعی منتشر شده در این دادرسی است که حاوی مدافعات و ایرادات مفصل سیسرو و دلایل اقامه شده برای اثبات برائت متهم میباشد .

باری یکی از تاکتیک‌های اساسی دفاع سیسرو و در این دادرسی دوم عبارت از حمله بخصوصیات اخلاقی اوپیانیکوس متوفی و نیز (ساسیا) مادر متهم بود که سیسرو نامبرده را بعنوان عامل اصلی در طرح این شکایت معرفی نمود .

وکیل مدافع متهم فهرست مشروحي از جنایات (اوپیانیکوس) را باطلاع دادگاه رسانیده و تصویر تیره و تاریکی از شرکت (ساسیا) مادر متهم در قتل فرزندان خویش را ترسیم نمود و آنگاه ضمن تشریح نکات شرم‌آوری از زندگی خصوصی بانوی مزبور با سخنانی هیجان‌انگیز بیرحمی و سرسختی او را در تعقیب و محکومیت فرزند خویش مورد نکوهش قرارداد .

یکی از مطالب مؤثر این خطابه دفاعی که سیسرو در سالیان بعد نیز بعنوان نمونه‌ای از روش‌های سخنوری خویش در دوران جوانی بآن اشاره میکرد تعریفی بود که وی در سه عبارت مختصر زیر از کارهای شیطانی آن زن در دزدیدن داماد خود از دست دخترش و خصوصت با پسرش در جهت سناغ اوپیانیکوس متوفی بعمل آورده بود . تعریف سیسرو از نامبرده چنین بود :

« زوجه داماد خویش ، نامادری فرزند خویش ، رقیب دختر خویش » .

در ساهیت دعوی سیسرو مطالب فراوانی درباره اتهام قتل قضائی اوپیانیکوس یعنی عمل کلونتئوس در محکوم ساختن ناپدری اش (اوپیانیکوس) با تطمیع هیئت منصفه قضیه ایراد نمود . نظر باینکه افکار عمومی مردم شهر رم در این مورد اطمینان داشت که این رشوه و ارتشاء هیئت منصفه حقیقت داشته لذا سیسرو بهیچوجه کوششی برای اثبات نادرست بودن این نظر نشان نداد بلکه تاکتیک دفاعی خود را بر این استدلال قرارداد که هیئت منصفه فقط توسط یکی از اصحاب دعوی مورد تطمیع واقع شده است - یعنی یا (اوپیانیکوس) و یا (کلونتئوس) - سپس دامنه استدلال خویش را باینجا رسانید که از نظر عقلائی هر یک از اصحاب دعوی که از صدور یک حکم نامطلوب بیشتر وحشت داشته بیشتر احتمال دارد هیئت منصفه را تطمیع نموده باشد و این شخص (اوپیانیکوس) بوده است .

سیسرو علاوه کرد که (اوپیانیکوس) با توجه بمحکومیت قبلی دو نفر از خدمه اش و از جمله (اسکاماندر) موکل پیشین خود وی در جریان دادرسیهای که در یکی از آنها حکم هیئت منصفه باتفاق آراء و در دیگری فقط با یک رأی مخالف صادر شده بود دلیل موجهی برای بیم از صدور حکم محکومیت داشت. اما اگر (اوپیانیکوس) هیئت منصفه را مورد تطمیع قرار داده باید ناچار قائل باین امر گردید که عمل ارتشاء مانع از صدور حکم محکومیت وی نشده است و این تناقض را باید صرفاً ناشی از خیانت (استاینوس) عضو هیئت منصفه دانست که ابتدا مقرر بود وجه رشوه داده شده را بطور مساوی بین شانزده نفر اعضاء هیئت منصفه تقسیم کند (تا باین ترتیب از صدور حکم محکومیت جلوگیری گردد) اما بعداً تصمیم گرفت تمامی وجه مزبور را شخصاً تملک نماید.

سپس سیسرو به تعقیبات متعددی که بعد از دادرسی (اوپیانیکوس) علیه عده ای از اعضاء هیئت منصفه مظنون باخذ رشوه صورت گرفته بود اشاره نموده و اظهار داشت اکثر این اقدامات قضائی بر اثر عوامل و اغراض سیاسی که اساساً ارتباطی بموضوع اخذ رشوه نداشته انجام گردیده و بهرحال هیچکدام از این اقدامات منتهی باثبات انتساب این اتهام به (کلونتئوس) نشده است. وی علاوه نمود که چنانچه کنسول رم مبادرت بخارج کردن نام چند نفر از اعضاء هیئت منصفه از صورت اسامی واجدین شرط اینکار نموده مسلماً این اقدام او تحت تأثیر افکار عمومی بوده و در اینمورد تحقیقات و رسیدگیهای خاصی که لازمه اجرای قوانین رم میباشد انجام نگردیده و برانجام اعلام نمود که تصویبنامه مبهمی که از طرف مجلس سنای رم دائر برامکان اخذ رشوه در دادرسی مورد بحث صادر شده نباید احساسات اعضاء هیئت منصفه را علیه موکلش برانگیزاند.

همانطوریکه سیسرو انتظار داشت رقیب وی یعنی وکیل شاکی خصوصی بنام (آمیوس) مدافعات قبلی او را که در جریان دفاع از (اسکاماندر) یعنی همدست (اوپیانیکوس) در موضوع اتهام مسومیت بعمل آورده بود و نیز مطالب خطابه

سیسرو در باره فساد هیئتهای منصفه سناتوری را در دادگاه عنوان نمود. سیسرو سعی کرد قبولی خویش را جهت دفاع از اتهام (اسکاماندر) بعلت مداخله دوستان مشترك و همچنین عدم اطلاع خویش از سنگینی اتهام موکلش توجیه نماید. او حتی وقتی توصیف نمود که در آنزمان چقدر جوان و بی تجربه بوده و چگونه دلائل دفاعی اش که برای اثبات بیگناهی (اسکاماندر) اقامه کرده بود با نهایت مهارت از طرف وکیل مدافع طرف قضیه علیه او بکاربرده شد موجب خنده شدید حضار گردید. سیسرو ناچار شد نسبت بان قسمت از اظهارات (آکیوس) که مطالبی از یک خطابه قبلی ویرا دائر براینکه یک نفر از سناتورهای عضو هیئت منصفه از هر دو طرف دعوی مبالغی بعنوان رشوه دریافت کرده است نقل نمود. و این اشاره مستقیمی بدادرسی او پینانیکوس بود. مدافعات بیشتری بعمل آورد. او گفت که اظهارات یک وکیل مدافع را در جریان دادرسی باید در پرتو اوضاع و احوال دفاعی که در برابرش قرار داشته مورد بررسی قرارداد و بنابراین نمیتوان آن اظهارات را بعنوان عقاید شخصی وی توجیه کرد و باین بحث خود چنین خاتمه داد:

«... من درباره موضوعی صحبت میکردم که نه شخصاً از آن اطلاع داشتم و نه دلیلی برای اثبات آن اقامه نمودم. خطابه من بیشتر در حکم ضرورت منطقی آن لحظه بوده نه آنکه قضاوت و نظر شخصی ام. من بعنوان وکیل مدافع کوشش میکردم قبل از هر چیزی احساسات هیئت منصفه و افکار عمومی را تحت تأثیر خود قرار دهم و آنچه من عنوان نمودم شایعاتی بود که در آنزمان بشدت جریان داشت. اما این موضوع بزرگترین اشتباه ممکنه خواهد بود که تصور نمائیم نطقهایی که ما وکلای دادگستری در دادگاه ایراد میکنیم حاوی عقاید و نظریات مسلم ما میباشد. مدافعات ما وکلای در جریان دادرسی انعکاس ضروریات خاص موضوع آن دادرسی است و اساساً اگر موضوعات دادرسی کاملاً روشن و معلوم باشد هیچکس احتیاجی بتعیین وکیل نخواهد داشت».

در ماهیت دفاع سیسرو بدو تصریح نمود که موکل وی هیچگونه اتهامی

درباره تطمیع هیئت منصفه نداشته است و از آنجا که وی برای حفظ حیثیت خویش بهمان اندازه اهمیت میدهد که تابعیت شهر رم برای او امری فوق العاده مهم محسوب میگردد از این رو تقاضا دارد این قسمت از اتهام موکل وی از کیفر خواست حذف شود. آنگاه سیسرو بحث مفصلی در این باب بعمل آورد که اتهام دیگر موکلش دائر بر ارتکاب بقتل قضائی امری است که فقط ناظر بسناتورها و کارمندان رسمی دولت بوده و قابل تسری با افراد عادی نمیشود و محققاً منظور سیسرو در دفاع سیاسی از حقوق طبقه (اکوئستر)ها اثبات این امر بوده که تسری و شمول مقررات قانون جزا با اتهامات جدید امری است که فقط در صلاحیت قوه مقننه میباشد نه آنکه هیئت منصفه ای که مایل است در جریان یک دادرسی به نتیجه خاصی نائل گردد.

اگر از روی خطابه منتشر شده سیسرو در این دادرسی قضاوت شود باید گفت که وی در مورد اتهام کلونتیوس دائر بر مسموم ساختن ناپدری اش دفاع مفصلی بعمل نیاورد و علت امر بنا بر آنچه او در جریان دادرسی اعلام نمود این بود که شاکی قضیه ضمن بیان شکایت فقط اشاره مختصری نسبت باین اتهام بعمل آورده بود. وی قبل از بحث و دفاع درباره اتهام اصلی موکلش راجع بمسموم ساختن (اوپیانیکوس) مطالبی در رد دوقره اتهام مسموم ساختن اشخاص دیگر که بکلونتیوس نسبت داده شده بود ایراد نمود. در باره رد اتهام نخستین که ادعا شده بود کلونتیوس اقدام بمسموم ساختن جوانی بنام (کاپادوکس) نموده است سیسرو گواهی یکی از سناتورها را که دوست قربانی ادعائی قضیه بود بدادگاه اقامه نمود که ضمن آن ثابت گردید (کاپادوکس) در حقیقت بر اثر علل طبیعی در منزل سناتور مزبور فوت نموده است. اتهام ثانوی عبارت از این بود که (کلونتیوس) در جریان یک مجلس عروسی وقتی در صدد مسموم ساختن فرزند اوپیانیکوس برآمده بر اثر آنکه جام شراب مسموم اشتبهاً بمهمان دیگری تعارف شده بود موجب قتل وی گردیده است. سیسرو برای اثبات نادرست بودن این ادعا گواهی پدر جوانی را که گفته میشود بقتل رسیده است در دادگاه اقامه نمود که با این گواهی نیز ثابت گردید که مرگ آن جوان چند روز بعد

برای یک بیماری صورت گرفته است و پدر نامبرده گواهی خویش را در دادگاه مورد تأیید قرار داد.

سپس سیسرو در رد اتهام اصلی موکل خویش دایر بر مسموم ساختن ناپدری اش اعلام نمود که هیچگونه دلیل موجه و مؤثری برای اثبات این ادعا اقامه نشده و تنها دلیلی که در پرونده امر وجود دارد گواهی دونفر از بردگان شکنجه دیده بانو (سایا) درباره شرکت ایشان در توطئه کلونتیوس برای مسموم ساختن ناپدری اش بوده است. اما بر طبق شواهد مسلمی که وجود داشت پس از آنکه این گواهی بزور شکنجه اخذ گردید بدستور (سایا) بدو از زبان یکی از بردگان را قطع کرده و سپس او را مصلوب نموده بودند.

بعلاوه اعتراف آنها وقتی گرفته شده است که در سه سال قبل کوشش برای گرفتن این اعتراف که همراه با شکنجه بوده منتهی به نتیجه ای نگردیده بود. بهانه این تحقیقات توأم با شکنجه و آزار آن بود که یکی از این بردگان متهم بسرقت مالی از بانو (سایا) شده بود در حالیکه در اقرار اینها حتی یک کلمه هم در باره این سرقت ادعائی وجود نداشت. این یکی از جنبه های شرم آور قانون رم است که اجازه داده میشد از بردگان با اعمال شکنجه اعتراف گرفته شود. اما جالب اینکه وقتی نخستین بار از بردگان مزبور بزور شکنجه اقدام باخذ اعتراف شده بود گواهان حاضر با توجه باینکه مقصود از شکنجه دادن آنها نه تنها کشف حقیقت نبوده بلکه درست برعکس آن بوده است مانع از ادامه این کار شده اند.

سیسرو در اینجا باحماقانه بودن روش پنهان کردن سم در داخل نان اشاره کرده و پرسید چرا سم مورد ادعا در داخل شراب ریخته نشده بود؟ راستی اگر (کلونتیوس) از روشهای جنایتکارانه ناپدری خویش چیزی آموخته بود غیر از این عمل میکرد؟ وی علاوه کرد که (اوپیانیکوس) در حقیقت از عارضه تب ناشی از سقوط از روی اسب فوت کرده است.

بحث و گفتگو درباره حسن شهرت و نیکنامی طرفین دعوی یکی دیگر از مطالبی

بود که سیسرو در دفاع خود عنوان نمود. در واقع رویان بحسن شهرت اصحاب دعوی خیلی بیشتر از آنچه امروز مورد توجه ما میباشد اهمیت میدادند. سیسرو باین منظور دلیل مؤثری درباره نیکنامی کلونتئوس بدادگاه ارائه کرد. این دلیل همچنانکه در آنزمان معمول بود بشکل طوماری بود که از طرف افراد جامعه‌ای که متهم در آن میزیست امضاء شده بود. ولی وکیل مدافع متهم باین دلیل کتبی اکتفا ننموده و گواهی حضوری عده‌ای از گواهان را در این زمینه بدادگاه اقامه کرد.

چنین بنظر میرسد که کلونتئوس بر اثر دفاع مؤثر سیسرو از اتهامات منتسبه تبرئه گردید زیرا آنچه در مورد نتیجه این دادرسی بدست ما رسیده است اظهار کینتیلیان^۱ مورخ و سخنور معروف قرن اول بعد از میلاد است مبنی بر اینکه سیسرو بعدها بانکبر فراوان اعلام نموده که در دادرسی (کلونتئوس) موفق شده است پرده ظلمت روی چشمهای اعضاء هیئت منصفه بپوشاند.

بعضی از صاحب نظران جمله فوق را اینطور تفسیر کرده اند که مقصود آن نبوده که کلونتئوس واقعاً مجرم بارتکاب اتهام انتسابی بوده بلکه شاید منظور سیسرو از این بیان آن است که وی با عنوان کردن فرضیه تطمیع هیئت منصفه در دادرسی (اویپانیکوس) از طرف هر دو اصحاب دعوی موفق باخذ حکم برائت موکل خویش شده است. از این اظهار نظر چنین برمیآید که سیسرو علاوه بر ایراد یک خطابه قضائی صحیحه دادگاه را برای ایراد سخنرانی سیاسی و حمله بسیستم هیئتهای منصفه سناتوری رم مورد استفاده قرار داده و افکار عمومی را نسبت به بیگناهی موکل خود جلب کرده است.

قطع نظر از روشهایی که سیسرو در دفاع خویش بکار برده باشد آنچه مسلم است دفاع نامبرده بر اساس مبانی و اصولی قرار داشته که اکنون ما نیز معتقد بآن هستیم یعنی:

۱- مسائل مربوط بزندگی و آزادی و حیثیت آدمی فقط باید توسط دادگاهها مورد قضاوت قرار گیرند نه توسط افکار عمومی یا تصویب شتابزده قوانین در مجالس مقننه و یا اقدامات یک‌جانبه دولت.

۲- تفسیر قوانین جزائی باید فقط در چهارچوب آن قوانین صورت گیرد و اگر شمول این قوانین بموضوعات دیگری ضروری تشخیص داده شود این امر نمیتواند با آراء هیئتهای منصفه جامعه عمل بخود پوشد بلکه انجام آن فقط از طریق مجالس قانونگزاری که سیبایست اصول جدیدی برای اخلاق و رفتار آینده جامعه بنا نهند امکان پذیر خواهد بود.

دفاع سیسرو از کلونتیوس در یک تعبیر وسیعتر حاکی از تأکید حاکمیت قوانین در هر جامعه متمدن است.

سیسرو ضمن بحث و استدلال در مخالفت با تسری و شمول اتهام قتل قضائی بطبقات غیرسناتوروی بدون آنکه چنین کاری مجوز قانونی داشته باشد چنین گفته بود: قانون عبارت از تضمینی است برای محافظت حقوق ما در جامعه، تأمین آزادی افراد اجتماع و اجرای صحیح عدالت. مغز و قلب و نحوه قضاوت و حکومت هر حکومت را باید در میان قوانین آن جستجو کرد. حکومت فاقد قانون درحکم یک بدن انسانی فاقد مغز خواهد بود که قادر نخواهد گردید قسمتهای تابع آن مانند اندام و خون ورگ را بکار اندازد. دولت که قوانین را اجرا میکند، هیئتهای منصفه که بر مبنای آن قوانین قضاوت مینمایند و بطور خلاصه همه ما باید از قوانین اطاعت کنیم تا بتوانیم آزاد زندگی نمائیم.